



پایه:	۳	موضوع:	نحو ۵
تاریخ:	۹۳/۳/۲۴	ساعت:	۸

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

## تستی

۱. المشهور في نحو: «الفاضل زيد»..... أ ۵۱

- أ. وجوب كون المقدم مبتدأ
- ب. جواز تقدير كلّ منهما مبتدأ و خيراً
- ج. وجوب كون المشتق خيراً
- د. وجوب كون ما هو المعلوم عند المخاطب مبتدأ

۲. إذا قيل: «لا تأكل سمكاً وتشرب لبناً» فإن كان العطف على اللفظ فالنهي ..... إذا كان العطف على المعنى. ج ۷۶

- أ. عن كلّ من الأكل و الشرب كما
- ب. عن جمع الأكل و الشرب كما
- ج. عن كلّ منهما بخلاف ما
- د. عن الجمع بينهما بخلاف ما

۳. تقدّم الحال على عاملها ..... (نظر مصنف) ج ۶۲

- أ. جائز مطلقاً
- ب. غير جائز مطلقاً
- ج. جائز إذا كان العامل متصرفاً
- د. غير جائز إلّا في الضرورة

۴. کدام حکم در مورد «عطف بیان» غلط است؟ ب ۵۶-۵۸

- أ. لا يخاف متبوعه في تعريفه وتنكيره
- ب. يأتي جملةً و مفرداً
- ج. لا يكون فعلاً تابعاً و مفرداً
- د. ليس في التقدير من جملة أخرى

## تشریحی

\* أنهم حكموا لـ«أن و أن» المقدرتين بمصدر معرف بحكم الضمير لأنه لا يوصف كما أن الضمير كذلك؛ فلهذا قرأت السبعة: «... مَأْكَلَن حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا...» و الرفع ضعيف. ۵۳

۱. أ. برای «أن» مؤول به مصدر معرفه مثال زده تأویل آن را هم بنویسید. ب. چرا رفع كلمه «حجّت» در آیه شریفه ضعيف است؟

أ. أعجبنى أن زیداً ذهب: أعجبنى ذهابُ زید. ب. چون «أن» با صله خود در حکم ضمير است و همان طور که ضمير خبر برای غير اعرف قرار نمی‌گیرد «أن» و صله هم همین حکم را دارد و لازمه به رفع خواندن «حجّتهم» این است که مضاف به ضمير که در رتبه علم است و غير اعرف، اسم قرار گیرد و «أن قالوا» که در رتبه ضمير است و اعرف، خبر.

\* اسم الفاعل لا يكون إلّا مجارياً للمضارع في حركاته و سكناته و لا يعتبر توافق أعيان الحركات بدليل «ذاهب و يذهب» و لهذا قال ابن الخشاب: هو وزن عروضي لا تصريفي. و الصفة المشبهة تكون في الغالب غير مجارية نحو: «ظريف». ۵۹

۲. أ. با توجه به عبارت، بين اسم فاعل و صفت مشبیه چه تفاوتی وجود دارد؟ ب. مقصود از «لا يعتبر ... يذهب» را در قالب مثال مذکور توضیح دهید.

أ. تفاوت: اسم فاعل همیشه هم وزن مضارع خود است هر چند این موازنه به حسب اصل باشد لکن صفت مشبیه غالباً فعل خود را در موازنه همراهی نمی‌کند. ب. مقصود این است که در تحقق موازن بودن اسم فاعل با فعل مضارع، مهم این است که تعداد حركات و سكنات و ترتیب آنها رعایت شود ولی لازم نیست حركاتها دقیقاً عین هم باشند لذا ممکن است حرف سوم فاعل مکسور باشد با اینکه حرف سوم مضارع مفتوح است مثل ذاهب و يذهب.

\* الصحيح أنه إذا وقع اسم الشرط مبتدأ فخبيره فعل الشرط وحده؛ لأنه اسم تامّ وفعل الشرط مشتمل ضميره. وقيل: خبره فعل الجواب؛ لأنّ الفائدة به تمّت وفيه أنّ توقّف الفائدة على الجواب من حيث التعليق فقط لا من حيث الخبريّة. ٦٦

٣. أ. دليل مصنّف برای خبر بودن فعل شرط چیست؟ ب. اشکال استدلال قول دوم چیست؟

أ. چون هم مقتضی موجود است و هم مانع مفقود. وجود مقتضی این است که فعل شرط مشتمل بر ضمیر راجع به مبتدا است. فقدان مانع این است که اسم شرط اسم تامّ است و مانعی که اسم‌های ناقص سر راه جمله بعد ایجاد می‌کنند اسم تامّ ایجاد نمی‌کند.  
ب. این استدلال گرفتار مغالطه ایهام انعکاس شده است چون آنچه مسلم است این است که خبر متمّم فائده است لکن مستدلّ عکس این را توهم کرده که: هر متمّم فائده‌ای خبر است.

٤. در هر یک از موارد زیر، مسوّم ابتدا به نکره چیست؟ ٧٠-٦٨

أ. ما رجل في الدار: أن تكون عامّه بغير ذاتها

ب. قول معروف و مغفرة خير من صدقة يتبعها أدي: العطف

ج. ويل للمطففين: أن تكون في معنى الفعل (أن يراد بالنكرة الدعا)

د. قطعت الصحراء و دليل يهديني: أن تقع في أول جملة حالية.

\* من شروط العطف على المحلّ: وجود المحرز و لهذا امتنع «هذا ضارب زيد و عمراً» لأنّ الإسم المشبهه للفعل لا يعمل في اللفظ حتّى يكون بدال «أل» أو منوماً أو مضافاً. ٧٢-٦٠

٥. أ. مقصود از «محرز» چیست؟ ب. دليل امتناع مثال را توضیح دهید.

د. محرز یعنی طالب محلّ. ب. چون ضارب وقتی می‌توانست طالب محلّ باشد که یا «ال» داشته باشد یا تنوین و یا اضافه شده باشد به غیر معمول منصوب و در اینجا هر سه متفی است.

\* قال السيرافي و الفارسيّ في قوله تعالى: «...لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقْتُ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ» إِنَّ «أَكُن» عطف على محلّ «فَأَصَّدَّقْتُ» و يرده أنّهما يسلمان أنّ الجزم في نحو «أنتني أكرمك» باضمار الشرط فليس «فَأَصَّدَّقْتُ» في موضع جزم، لأنّ ما بعد الفاء منصوب بدال «أن» مضمرة و «أن» و الفعل في تأويل مصدر معطوف على متوهم ممّا تقدّم. ٧٤

٦. به نظر مصنف، چرا جزم «أَكُن» به جهت عطف بر محلّ «فَأَصَّدَّقْتُ» نیست؟

چون اگر مثل «لَوْلَا أَخَّرْتَنِي» با «فَأَصَّدَّقْتُ»، مثل «ایتنی» با «أكرمك» باشد، همانطور که در دومی جزم «أكرم» به شرط مقدر است می‌بایست در اولی هم بین «لولا آخرتني» و «فأصدقت» شرط در تقدیر گرفت و پیش فرض تقدیر شرط، جمله بودن ماقبل و ما بعد است در حالی که در آیه شریفه، فاء عاطفه است و مفرد مؤول را به مفرد متوهم عطف می‌کند و بین دو مفرد نمی‌توان شرطی در تقدیر گرفت.

\* من المواضع التي يعود الضمير فيها على متأخر لفظاً و رتبة، أن يحجر بد «رب» مفسراً بتميز، و حكمه حكم ضمير «نعم و بس» في وجوب كون مسره تمييزاً و كونه هو مفرداً. ٨١-٧٩

٧. أ. موضع مذکور را در قالب مثال بیان کنید ب. شباهت ضمير «رب» با ضمير «نعم و بس» در چیست؟

أ. مثل ربّه رجلاً که ضمير مجروری به تمييز (رجلاً) برمی‌گردد که هم در لفظ مؤخر است و هم در رتبه لأنّ رتبة التمييز بعد التمييز.

ب. دو شباهت: ١. در هر دو، مفسر ضمير از جنس تمييز است ٢. در هر دو، خود ضمير (مميز) مفرد است.

\* من روابط الجملة بما هي خبر عنه، أن يعطف بفاء السببية جملة ذات ضمير على جملة خالية منه أو بالعكس، نحو قوله تعالى: «الْمُرْتَدَّانَ اللَّهُ أَنْزَلَ مِنْ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً...» و في المسألة تحقيق لأنّ الفاء نزّلت الجملتين منزلة الجملة الواحدة فالخبرمجموعهما و لهذا اكتفى فيهما بضمير واحد. ۸۶

۸. أ. رابط مذکور را بر آیه شریفه تطبیق دهید. ب. نقد مصنف را بیان کنید.

أ. در آیه فوق، فاء جملة «فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» را که خالی از رابط به اسم آن است بر جملة «أنزل» که واحد رابط است عطف کرده است و خود این عطف، از روابط است.

ب. نقد مصنف: چنین نیست که ما دو جمله خبریه داریم یکی واجد و دیگری فاقد ربط و بوسیله عطف مشکل فاقد را بر طرف می‌کنیم بلکه از آنجا که فاء مفید سببیت است ماقبل و مابعد رابطه سببی و مسببی دارند لذا نازل منزله یک جمله‌اند. بنابر این در حقیقت فقط یک جمله خبریه داریم که آن هم به لحاظ صدر یا ذیل واجد ربط است.

\* من الأشياء المحتاجة إلى الرابط، ألفاظ التوكيد الأول، و إنما يربطها الضمير المملفوظ به، من ثمّ كان مردود أقول من قال في قوله تعالى: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...»: إن «جَمِيعًا» توكيد لـ«مَا».

۹۰

۹. أ. قيد «الأول» احتراز از چیست؟ چرا؟ ب. نقش «جَمِيعًا» در آیه را نوشته دلیل مردود بودن قول قائل را بیان کنید.

أ. احتراز از «أجمع» و أخوات آن - چون این الفاظ، ثانوی هستند و تنها به شرط مسبق به «كلّ» بودن، در تاکید استفاده می‌شوند. ب. نقش: حال.

دلیل رد: چون اگر «جمع» همان «جمع» می‌بود که از الفاظ اولیه توكيد است باید متصل به ضمير مؤكّد می‌شد که نشده است.